

واکاوی اقلیمی خاندان‌های سادات ایران

رسول سعیدی زاده

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

خاندان‌های سادات از قدیم در کشور پهناور ایران وجود داشتند. گروهی از میان آنها به مقامات علمی رسیدند، به گونه‌ای که در عصر و زمان خود به شهرت بسزایی نایل آمده و آوازه آنها در اقصی نقاط ایران و حتی جهان پیچید.

درباره خاندان‌های سادات اگر چه به صورت پراکنده و در لابه لای کتاب‌ها مطالبی آمده، ولی در جایی به صورت مدون مطلبی دیده نشده است. در این پژوهش ضمن بیان دو مقدمه ضروری یعنی خاندان و سید، به سیر تاریخی مهاجرت سادات به ایران و شاخه‌های اصلی سادات موجود در ایران و خاندان‌های سادات ایرانی پرداخته می‌شود. در بحث خاندان‌های سادات ایرانی جدول و نموداری از توزیع خاندان‌های سادات ایران به تفکیک استان ترسیم می‌شود.^۱

خاندان (Extend Family)

خاندان در لغت به معنای تبار، قبیله و دودمان است^۲؛ و در اصطلاح به چند خانواده^۳ وابسته به هم گویند که در تمام آنها وابستگی به پدر است.

مترادف خاندان در زبان عربی «آل» است. ریشه آل از اهل است. آل در اصطلاح جز به شرفا و اعلام و زعمای قوم و طائفه اطلاق نمی‌شود و مقید به زمان و مکان هم نیست.^۴
خاندان‌ها به طور کلی بر حسب منطقه جغرافیایی، نژاد، دین و وابستگی طبقاتی،

تقسیمات متفاوت دارند. خاندان‌های ایرانی نیز برحسب مذهب، نسب، نژاد و جایگاه اجتماعی به انواع گوناگون تقسیم می‌شوند: شیعی و غیر شیعی، سادات و غیر سادات، فارس و غیر فارس، سلاطین و غیر سلاطین، اصیل و غیر اصیل، علمی و غیر علمی.

آثار و تألیفاتی که در آنها از خاندان‌های سادات ایرانی یاد شده است، رامی توان تحت دو گروه اختصاصی و عمومی قرار داد. در گروه اول کتاب‌های فراوانی نوشته و در این کتاب‌ها، تنها به خاندان‌های خاصی اشاره شده است. از جمله: خاندان مرعشی در ایران از علی اکبر مرعشی؛ شجره طیبه از محمدباقر رضوی؛ شجره مبارکه یا برخی از تاریخ خوزستان از محمد جزایری؛ شجره‌نامه و نسب‌نامه سادات مرعشی یزدو فارس از عبدالعلی عظیمی.

در گروه دوم نیز آثاری وجود دارد که بیشتر جنبه دایرةالمعارفی در آن مد نظر است. کتاب‌هایی مانند: ماضی النجف و حاضرها تألیف شیخ جعفر آل حبویه، طبقات اعلام الشیعة نوشته آقا بزرگ تهرانی، اعیان الشیعة نوشته سید محسن عاملی و ریحانة الادب، تألیف سید محمدعلی مدرس.^۵

سید بر وزن فَعِيل به معنی فاعل، از اوزان صفت مشبَّه می‌باشد که در معانی مختلف به کار رفته است. پیشوا، مهتر قوم، سردار، دانا، فاضل، آقا، حکیم، و لقب نوادگان پیغمبر (ص)، از جمله معانی استعمال شده برای این کلمه است.^۶

جمع سید، اسیاد و ساده و سیائد، و جمع الجمع آن سادات است. کلمه سید در قرآن کریم در یک جا به معنی شوهر (سوره یوسف/ ۲۵) و در جای دیگر (آل عمران/ ۳۹) به معنی عابد پرهیزگار آورده شده است.

در عرف جامعه اسلامی، اصطلاح سید بر نوادگان پیغمبر از نسل ابوطالب (ع) به ویژه علی بن ابی طالب (ع) و فاطمه زهرا (س) اطلاق می‌شود. اینکه از چه زمانی بر نوادگان پیغمبر کلمه سید اطلاق شد روشن نیست. همین قدر می‌دانیم که در قرن ششم هجری قمری رواج کامل داشت. در این عصر قبل از نام علمایی که از اولاد پیامبر بودند، کلمه سید آورده شد. اما در کتب قرن پنجم مثل الفهرست شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ق) و رجال نجاشی (متوفی ۴۵۰ق)، همه جا کلمه شریف استعمال شده است. و اگر جایی از آن لفظ سید دیده شود، به تنهایی ذکر نشده بلکه به صورت السید الشریف می‌باشد.^۷

در عصر کنونی، ایرانیان لقب سید را برای عموم بنی هاشم به کار می‌برند. ولی در حجاز برای ممتاز ساختن سادات فرزند امام حسن (ع) آنها را شریف و فرزندان امام حسین (ع) را سید می‌خوانند. در مناطق دیگر کلمه سید مطلقاً دلالت بر هاشمی بودن ندارد.^۸

سادات برحسب موقعیت اجتماعی و زمانی عصر خویش اقدام به مهاجرت می‌کردند.

ایران، آسیای صغیر، یمن، شام و شمال آفریقا از جمله نواحی است که سادات در طی قرون به آنجا رفته‌اند.

پس از ورود اسلام به ایران از قرن نخست هجری، اولین گروه بنی هاشم وارد ایران شدند. این مهاجرت در نیمه قرن دوم هجری اندکی بیشتر، و سپس در اواخر قرن دوم تا نیمه قرن سوم شتاب زیاد گرفت. در این زمان، گروه‌های فراوانی از سادات به شهرها و نواحی مختلف کشور از جمله ارجان (بهبهان)، قم، شیراز، اصفهان، جبیل (همدان و سایر نقاط مرکزی ایران) و طبرستان مهاجرت کردند. اگرچه درباره مهاجرت علویان به طبرستان (مازندران و گلستان) تحقیقات مبسوطی صورت گرفته است، ولی متأسفانه درباره مهاجرت آنان به سایر نواحی کشور تحقیق مستقلی وجود ندارد.

برای مهاجرت سادات به کشور ایران چند عامل می‌توان ذکر کرد:

۱. ستم بیش از حد حکام، از شکنجه گرفته تا قتل و غارت در عراق و حجاز، قتل عام سادات به دستور معاویه، یزید بن معاویه، مروان بن حکم و نیز عبیدالله بن زیاد حاکم کوفه، نمونه‌هایی از این علت است.^۱

۲. خروج علیه حاکم زمان به عناوین و اغراض مختلف، مانند قیام یزید بن علی (ع) علیه دستگاه هشام بن حکم. خروج زید و پسرش یحیی موجب تحریک و کینه امویان شد، به طوری که تا زمانی که آنان بر کرسی خلافت بودند پیوسته به هر طریقی به بنی هاشم آزار می‌رسانیدند؛ قیام یحیی بن عبدالله (برادر نفس زکیه) در طبرستان و دیلم (منطقه‌ای بین استان‌های گیلان، مازندران و قزوین) علیه حکومت هارون الرشید (متوفی ۱۹۳ق)؛ قیام عیسی بن یزید بن علی سجاده (ع) در زمان حکومت عباسیان؛ قیام ابن طباطبا در کوفه در زمان هارون الرشید و غیره.^۲

۳. ولایت عهدی امام رضا (ع) در خراسان؛ امام رضا (ع) پس از رسیدن به ولایت عهدی، نامه‌ای به سادات مدینه نوشت و آنان را به ایران دعوت کرد. "آمدن حضرت معصومه (ع) همراه با برادران و خواهران دیگرش؛ و نیز آمدن بسیاری از سادات از جمله هلال بن علی از نوادگان امام محمد باقر (ع) مدفون در ارده‌هاش کاشان در اوایل قرن سوم هجری قمری، به همین سبب بوده است.

۴. پدید آمدن حکومت شیعی علویان در مازندران، که موجب جلب سادات به خطه شمال شد.^۳

۵. امنیت اجتماعی و مناسب بودن شرایط زیست از قبیل آب فراوان، زمین مرغوب و قابل کشت و زرع و غیره مانند: مهاجرت میرنظام الدین احمد مدنی به دشت جاپلق الیگودرز لرستان که بر طبق تصریح وقف‌نامه موجود، انگیزه عمده او از مهاجرت همین علت بود.^۴

ب. شاحه‌های اصلی سادات در ایران

در کشور پهناور ایران شش گروه عمده از سادات وجود دارند که عبارتند از:

۱. هاشمی، از نسل عقیل و جعفر از فرزندان ابوطالب (ع)؛ خاندان‌های جعفری و وزینی از

این گروه هستند.

۲. محمدی یا محمدیان، که از نسل محمد اکبر معروف به حنیفه (۱۵ یا ۱۸ - ۸۴ ق) بوده و خود شاخه‌ای از سادات علوی محسوب می‌شود؛ خاندان عقیلی اصفهانی جزو این دسته است.

۳. حسنی، از نسل فرزندان امام حسن مجتبی (ع) (۳-۹۵ ق)؛ خاندان‌های علمی بحر العلوم، بروجردی، قاضی، گلستانه، و مدرس از این گروه می‌باشند.

۴. حسینی، از نسل فرزندان امام علی السجاد (ع) (۳۸-۹۵ ق)؛ خاندان‌های علمی: اشکوری، امامی اصفهانی، خاتون‌آبادی، خامنه‌ای، خسروشاهی، دستغیب شیرازی، دشتکی، زنجان، سدهی میردامادی، شبیری زنجان، شهرستانی، شهیدی، قائم‌مقامی، قزوینی، کاشانی، مرعشی، میرزای شیرازی، میلانی و هدایتی از این گروه هستند.

۵. موسوی، از نسل فرزندان امام موسی کاظم (ع) (۱۲۸-۱۸۳ ق)؛ خاندان‌های علمی آیت‌اللهی شیرازی، آیت‌اللهی یزد، اصفهانی، بجنوردی، بهبهانی، جزایری، خمینی، خوانساری، زنجان، شهرستانی، شیرازی، صدر، کشفی، گلپایگانی، مشعشی و میرلوحی از این دسته‌اند.

۶. رضوی یا رضویان، از نسل محمدالاعرج بن احمد بن موسی مبرقع (۲۱۸-۲۹۶ ق) فرزند امام محمد تقی ملقب به جواد الاثمه (ع) (۱۹۵-۲۲۰ ق)؛ خاندان‌های علمی قصیر، مدرس رضوی و ناظری جزو این قسم هستند.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

ج. خاندان‌های سادات ایرانی

در ایران بر طبق یافته‌های میدانی و کتابخانه‌ای بیش از ۱۵۰ خاندان سادات وجود دارد. هر یک از خاندان‌های سادات تحت یکی از شش گروه مذکور قرار می‌گیرند.

نمودار توزیع خاندان‌های سادات ایران به تفکیک استان‌ها به این شرح است:

جدول توزیع خاندان‌های سادات ایران به تفکیک کل خاندان‌ها و خاندان‌های علمی

				نام استان
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۶/۵	۳	۴/۵	۱۰	آذربایجان شرقی
-	-	-	-	آذربایجان غربی
-	-	۱/۳	۳	اردبیل
۲۶/۱	۱۲	۱۸/۶	۴۱	اصفهان
-	-	-	-	ایلام
-	-	۰/۴	۱	بوشهر

				نام استان
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۶/۵	۳	۲/۵	۱۰	آذربایجان شرقی
-	-	-	-	آذربایجان غربی
-	-	۱/۳	۳	اردبیل
۲۶/۱	۱۲	۱۸/۶	۴۱	اصفهان
-	-	-	-	ایلام
-	-	۰/۴	۱	بوشهر
۲/۲	۱	۱۸/۱	۴۰	تهران
-	-	۰/۴	۱	چهارمحال و بختیاری
۲/۲	۱	۰/۴	۱	خراسان جنوبی
۱۰/۹	۵	۱۲/۳	۲۷	خراسان رضوی
-	-	۰/۴	۱	خراسان شمالی
۸/۷	۴	۶/۷	۱۵	خوزستان
۴/۳	۲	۱/۸	۴	زنجان
-	-	۰/۴	۱	سمنان
-	-	-	-	سیستان و بلوچستان
۱۳	۶	۷/۳	۱۶	فارس
۶/۵	۳	۵	۱۱	قزوین
۲/۲	۱	۴	۹	قم
-	-	-	-	کردستان
-	-	۲/۷	۶	کرمان
-	-	-	-	کرمانشاه
-	-	-	-	کهگیلویه و بویراحمد
-	-	۰/۴	۱	گلستان
۲/۲	۱	۲/۷	۶	گیلان
۴/۳	۲	۱/۳	۳	لرستان
-	-	۰/۹	۲	مازندران

				نام استان
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۶/۵	۳	۲/۲	۵	مرکزی
—	—	—	—	هرمزگان
—	—	۳/۳	۷	همدان
۴/۳	۲	۴/۹	۱۱	یزد
۱۰۰	۴۶	۱۰۰	۲۲۲	جمع

فهرست منابع

۱. تاریخ الخفاء، جلال‌الدین سیوطی، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۲. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ظهیرالدین مرعشی، به اهتمام عباس شایان، تهران، چاپخانه فردوسی، ۱۳۳۳ش.
۳. جامع الانساب، محمد علی روضاتی، اصفهان، چاپخانه جاوید، ۱۳۷۶ق.
۴. دایرةالمعارف تشیع، احمد صدر حاج سید جوادی و دیگران، تهران، شهید سعید محبی، ۱۳۷۵ش، ۱۲ جلد.
۵. لسان العرب، محمد بن مکرم معروف به ابن منظور، قم، ادب الحوزة، الطبعة الاولى، ۱۴۰۵ق/۱۳۶۳ش، ۱۵ جلد.
۶. لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش، ۱۶ جلد.
۷. میراث فرهنگی، ش ۷ و ۹، بهار و تابستان ۱۳۷۲ش.
۸. وفيات الاعیان، ابن خلکان، تحقیق احسان عباس، قم، شریف رضی، ۱۳۶۴ش.

پی نوشت ها

۱. تحقیق حاضر مختصری از فصل اول پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده تحت عنوان «خاندان های معروف سادات ایران بر خاندان های علمی» است که در دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد ارائه شد.
۲. لغت نامه دهخدا؛ ذیل «خاندان».
۳. خانواده (Family): سازمانی اجتماعی مرکب از چند تن افراد است که با یکدیگر نسبت خویشاوندی دارند. یک خانواده یا از فرزندان و زن و شوهر به وجود می آید و یا اینکه از فرزندان و مادر و پدر تشکیل می شود که ارتباط چندانی با یکدیگر ندارند، بلکه کارهای دسته جمعی موجب اتصال آنها به یکدیگر است. (لغت نامه دهخدا؛ ذیل «خانواده»)
- بنابراین بین خاندان و خانواده عام و خاص من وجه است.
۴. دایرةالمعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۳۴.
۵. همان.
۶. لسان العرب، ج ۳، ص ۲۳۰، لغت نامه دهخدا؛ ذیل «سید».
۷. جامع الانساب، ص ۳۴-۳۵.
۸. همان، ص ۳۵.
۹. تاریخ الخلفاء، ص ۲۴ و ۲۵؛ وفيات الاعیان ۱۳۷/۴.
۱۰. برای تفصیل بیشتر رجوع شود به: مقاتل الطالبیین که اسامی و شرح حال قیام کنندگان سادات را بر حسب ترتیب تاریخ دوران خلافت حکام اسلامی آورده است.
۱۱. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۱۹۸.
۱۲. همان.
۱۳. میراث فرهنگی، ش ۷، ۹ (بهار و تابستان ۱۳۷۲ش)، ص ۴۱-۴۲.